

از علامه حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی

ترجمه: حاج سید علی اکبر موسوی  
(محب الاسلام)

## شیخ طوسی

یک پیشنهاد:

سه سال دیگر هزارهٔ یکی از بزرگترین فقهاء مذهب تشیع یعنی شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن طوسی اعلیٰ الله مقامه است.

سزده حوزه‌های علمیه شیعه و دانشگاه تهران جهت تجلیل مقام علمی شیخ در این سال مراسمی بیای دارند: تا همگان بدانند علم و فضیلت و تقوی هم در جهان کنونی خریدار دارد. برای اینکه در این اقدام خیر ما پیشقدم باشیم، یکی از بهترین آثاریکه دربارهٔ زندگانی شیخ الطائفة بقلم توانای علامه معاصر حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی مدظله (صاحب تالیفات متمتع الذریعه، و طبقات اعلام الشیعه) نوشته شده در اختیار خوانندگان میگذاریم.

ناشر تفسیر کبیر «التمهیدان» از معظم له درخواست نموده تا زندگانی شیخ را بنویسند که بمناسبت انتشار این اثر جلیل علمی و دینی بعنوان مقدمهٔ تفسیر بطبع برسد و ایشانهم این درخواست را اجابت نموده‌اند.

این اثر مفید وسیلهٔ یکی از اعضاء هیئت تحریریه ترجمه شده و جهت رعایت اختصار بعضی از قسمتها طوری تلخیص گشته که مفید معنی متن است و برخی توضیحات لازمه نیز اضافه شده است.

لله درهما وعلیه اجرهما

## زندگانی شیخ طوسی

بسم الله الرحمن الرحيم وله الحمد

بره‌رافق از آفاق جهان اسلام نام معدودی از مردان بزرگ نقش شده است. مردانیکه بواسطهٔ مواهب و استعداد های خدا دادی باوج اعلاى آفاق این جهان پر گشوده‌اند، و نامشان بزرگی در پایه‌های تاریخ حک گشته است. اینان بزرگان

و خداوندان دانشند که چون ستارگان درخشان و چراغهای فروزان در جگر آسمان همچون ستاره «جوزاء» نورپاشی میکنند بجهانیان نورمی افشانند ، و جامعه بشریت در هر جای بر حسب امکان و استعداد و مقدار وارزش خود از آنان بهره میبرند. این بزرگان کاخ مجدی برای خویش بهای ساخته اند که از هم گسستگی و فراموش شدنی نیست .

یادبود اینان با گذشت زمان و آمد و شد قرون، جاوید و جاویدانست از همین گونه نوابغ مردانی هستند که نامشان آفاق را گرفته است ، گرچه بسیار اندکند : **گوئیاطبیعت جهان از اعطاء اینگونه نوادر بجامعه بشر دریغ دارد .**

نبوغ و عظمتشان در دنیای اسلام چنان کم نظیر است که امکان ندارد مقیاس غیرشان، قرار بگیرند یا میزانی باشند که ارزش مردان دیگر بدانها سنجیده شود . زیرا ممکن نیست بمقام شامخ ایشان رسید ، گرچه بسیاری آرزوی وصول بمقام آنان را دارند .

**زندگی خالص برای خدا :**

یکی از این گلهای خوشبوی دماغ پرور مفید بینظیر «شیخ» ما و شیخ همه و استاد همگان علامه آفاق ، **شیخ الطائفة طوسی اعلی الله درجاته و اجزل اجره** میباشد . اراده و علم و قلم علیای خداوندی بر این قرار گرفت که نتیجه ای از بهترین نتایج بصورت یکمرد روحانی بفتح مردم بیرون آورد، در این نمونه علم وافر ، وسعت اطلاع ، و هر چه بر امتیاز خداوندی دلالت دارد موجود است .

خدای عزیز و پیرا بصفات بارز و عنایت فائق ممتاز گردانید ، و بر بسیاری از خلق فضیلتش بخشود ، او... (قدس الله نفسه) **زندگانی و عمر دراز خود را خالص برای خدمت دین و مذهب قرار داد؛ لهذا سزاواره کانت بلند در جهان اسلامی خاصه در عالم تشیع گردید .**

وی با همان مواهب خداوندی و خدا دادی بزرگترین «علم» از اعلام و عظیم ترین پایه از استوانه های جهان اسلامی شد که نامش با تعظیم و اجلال و اعجاب برده میشود .

اثر القرون السالفة	شیخ الهدی والطائفة
بنتهی الامور العارفة	وصل الاله فخصه
بالفضل عنه کاشفه	ظہرت سریرة علمه
شکر الاله مواقفه	لله اوقف نفسه
قبر یضمک ، واکفه	سحب الرضا هتفت علی
متبوعه مترادفه (۱)	کم قد حماء فضیلة

۱- این اشعار برستگی که روی مرقد شیخ الطائفة است حک شده ولی نام شاعر در آن

## نسب شیخ الطائفة :

ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی ، به «طوس» یکی از شهرهای خراسان منسوب است .

طوس «توس» یکی از باستانی ترین بلاد مشهور پارس است، طوس همیشه از مراکز علم و پایگاه دانش بوده است : زیرا قبر امام علی بن موسی الرضا (ع) هشتمین امام شیعه اثنی عشری در آنجا است . برای همین طوس محبوب جانها است که از دورترین بلاد کاروانها و دسته‌های زیادی از شهر و دیار و از همه نقاط بار سفر می‌بندند . تا آستان قدس رضوی را ببوسند و بخاک این آرامگاه تبرک بجویند .

## سه نوبت انهدام :

«طوس» برای همین بمانند مرقد آل محمد علیهم السلام هدف دشمنان قرار گرفته و لطمه‌های فراوان دیده و سه نوبت منهدم گشته است .

نخستین بار امیر «سپکتکین» این مرقد را خراب کرد ، و نوبت دوم «غزنویها» این مرقد را ویران نمودند مرتبه سوم تندباد فتنه مغول بسال ۷۱۶ بهمد چنگیز خان و پس از اینهمه تخریب و انهدام باز هم بنایش تجدید ، و آثارش تعمیر شد . این مرقد مطهر هم اکنون با همه این حملات (۱) بر غم دشمنان آل رسول (ص) از حوزه‌های بزرگ علمی شیعه است .

کتابخانه مقدسه امام علی بن موسی الرضا (ع) در این شهر و در جوار مرقد مطهر است (۲) سزد که جهان تشیع این کتابخانه را جزو افتخارات خود بحساب آورد . واللہ غالب علی امره .

## ولادت و تربیت شیخ :

شیخ الطائفة به ماه رمضان سال ۳۸۵ هـ درست سال وفات هارون بن موسی تلکبری یعنی چهار سال پس از وفات شیخ صدوق متولد شد . وی نه ساله بود که بمراق هجرت نمود (۴۰۸ هـ - ۳) (پس از زیارت اعتبار مقدسه و استمداد از ارواح طیبه

۱- چند نوبت مشهد مقدس از طرف افاغنه و ازبکها نیز قتل‌عام و تخریب دیده است و در ۲۰۷۱ سال ۱۳۳۰ هـ قمری روسیه تزاری نیز این مرقد مطهر را بتوپ بسته است بتاریخ رجوع شود - مترجم .

۲- جمع کل کتب خطی و چاپی کتابخانه آستان قدس طبق گزارش «کتابخانه مبارکه» شماره

۱۲ نامه آستان قدس ۴۰۸۹۵ جلد است و این تعداد هر ماهه رو باز دیاد است - مترجم

۳- آنچه در روضات طبع اول ص ۵۷۳ از سید شریف (رضی) در ترجمه سید آمده از سبق قلم است ، زیرا وفات شریف سنه (۴۰۶) است و شیخ طوسی در سال ۴۰۸ بیفداد وارد شده است و این مطلب هم در صفحه ۵۸۱ همان روضات نیز آمده !! غریب آنکه برخی این اشتباه را از (مستدرک الوسائل) استاد و حجت ما شیخ نوری نقل کرده اند در صورتیکه «مستدرک» چنین ندارد بلکه شیخ نوری دیگران را باین اشتباه آگاه فرموده است .

اُمّه هداة مهديين-غ) بسن سیزده بیغداد آمد، در آن ایام زعامت مذهب جعفری بعهده شیخ امت و علم اعلام تشیع، شیخ مفید «محمد بن محمد بن نعمان» عطا الله مشواہ بود وی همچون سایه‌ای همه جا باشیخ مفید همراهی نمود، علاوه بر التزام خدمت شیخ مفید استاد شیخ «حسین بن عبدالله ابن الغضائری متوفی ۴۱۱ هـ» را نیز درک کرد. مضافاً بر اینکه در گروه مشایخ «نجاشی» نیز شرکت نمود و همچنان همراه استاد خود بود تا اینکه خدای متعال لقای رحمت خویش را برای استادش شیخ مفید بخواست (۵۴۱۳ هـ) اینجازه زعامت دین و ریاست مذهب جعفری بدانشمندترین شاگردان شیخ مفید، علم الهدی سید مرتضی طاب رمله منتقل گشت.

شیخ ماهم متوجه آن بزرگوار شد و پای منبروی حضور یافت، و سید مرتضی هم عنایت خاصی بوی فرمود و بدرس و تربیتش همت گماشت، و از سایر شاگردان نسبت بشیخ طوسی لطف و توجه بیشتری فرمود.

و برای وی در هر ماه دوازده دینار تعیین فرمود (۱) شیخ طوسی در ملازمت استاد خود علم الهدی بیست سال بسربرد تا اینکه سید بزرگوار در (۲۵ ربیع الاول ۴۳۶ هـ) وفات نمود.

### شخصیت و مرجعیت شیخ :

پس از وفات سید، شیخ الطائفة پیشوائی مستقل گردید و بمنصه زعامت کبری بر آمد و اصبح علماً للشیعة و مناراً للشریعة.

خانه اش در «کرخ» پناهگاه امت و مقصد طالبان علم بود که برای حل مشکلات و توضیح مسائل می آمدند، و دانشمندان و فضلاء برای شاگردی و حضور پای منبروی از هر شهر و دیار آنقدر آمدند که شمارة مجتهدین شیعه فقط، به سیصد نفر رسید و از فرقه سنت بیشمار بودند.

هریک از این شاگردان بعظمت و نبوغ و تقدم شیخ بر دیگران اعتراف داشتند شیخ الطائفة بقدری مورد توجه و احترام قرار گرفت که خلیفه وقت «القائم بامر الله» (۲) افاده

۱- ان هذا وامثاله مما یکتذب ما ینسبونه الی السید المرتضی من البخل وان دخل علی الوزیر المهلبی فقدم له عریضة یطلب فیها رفع ضریبة قدرها عشرون دیناراً فرضت علی ارض له فلم یحفل الوزیر به و اعرض عنه فالامه بعض الحضور علی اهانته و احترام اخیه الرضی مع انه دونه فی العلم و الفضل فعمل ذلك بمامر ... و هذا كله مما خلقه المعرضون و...

۲- عبدالله بن القادر بالله احمد بیست و ششمین «خلیفه» از سلسله عباسیان که فرزند القادر بالله و پدر المقتدی بالله بود. این سلسله از «احمد سفاح» آغاز میشود و به «المستصم» پایان میدهد سلسله عباسیان توسط هلاکوخان انقراض یافت و ۳۷ نفر از این سلسله بعنوان خلافت بر جهان اسلامی حکومت کردند (مترجم)

کرسی کلام را بشیخ واگذار نمود ، و ببايد دانست ، کرسی کلام آنروز عظمت و قدری فوق وصف داشت ، کسی بدان پایه و مقام میرسید که علمش از همه بیش و بر اقرانش تفوق میداشت و بجز شیخ کسیکه بتواند بدین مقام برسد شخصیتی نبود که بروی فضیلت علمی داشته باشد ، و فقط او برای این شرف آماده بود .

### هجرت بنجف اشرف :

شیخ الطائفه همچنان پیشوای عصر و عزیز شهر بود که تحولاتی بوجود آمد ، و فتنه ها بین تشیع و تسنن برانگیخته شد ، و همچنان آتش فتنه دامنه دار میگشت تا اینکه بفرمان «طغرل بیک» نخستین پادشاه سلجوقیان فتنه و آشوب و ستم نطق یافت .

«طغرل بیک» بسال ۴۴۷ وارد بغداد شد و بر شیعیان حمله ای سنگین و سخت برد امر

### کرد کتابخانه شیعیان را بسوزانند .

این کتابخانه را ادیب فاضل و وزیر جلیل «بهاءالدوله» در محله «بین السورین» در کرخ بغداد بسال ۳۸۱ هـ بنقشه بیت الحکمة بنا کرد (۱) (بیت الحکمة را هارون تأسیس کرده بود) .

کتابخانه شیعیان در بغداد بسیار دارای اهمیت بود ، وزیر ادیب کتابهای متفرق عراق و پارس را در این کتابخانه جمع نمود و تالیفات هند و چین و روم را نسخه برداری کرد (۲) تعداد کتب این کتابخانه به ده هزار از آثار با ارزش و اسفار مهمی بود که اکثر آنها نسخه های اصل و بخط خود مؤلفین بود .

### کتابخانه نفیس شیعیان بسوخت :

**یاقوت حموی :** گوید (۳) : «در کرخ کتابخانه ای بود که ابو نصر شاپور بن اردشیر وزیر بهاءالدوله وقف کرده بود ، و در دنیا کتابخانه ای بهتراز آن نبود زیرا همه آن کتب بخط ائمه معتبره ، و با اصول خط صحیح بوده ، ابن اثیر گفته است : «تعداد صد جلد قرآن کریم در این کتابخانه بخط ابن مقله (۴) وجود داشت»

۱- این کتابخانه را ابو نصر شاپور «بهاءالدوله» فرزند اردشیر وزیر خاندان بویهی بیا کرد .

۲- بنقل محمد کرد علی ، خطط الشام ج ۶ ص ۱۸۵

۳- معجم البلدان ج ۲ ص ۳۴۲

۴- ابن مقله خوشنویس معروف عرب است که خط خوش وی ضرب المثل است و در اشعار عرب هم آمده است : «فضاحة سبحان و» خط بن مقله «- و حکمة لقمان و زهد بن ادهم- لواجتمع المرء والمرء مقلس - فلیس له قدر بقدر درهم - (مترجم)

چون وزیر بهاء الدوله از اهل فضل و ادب بود (۱) دانشمندان از تألیفات و آثار خود بوی هدیه میکردند که کتابخانه‌اش از بنیادترین کتابخانه‌های بغداد گشت. چون «طغرل بیک» بغداد آمد محله کرخ آتش گرفت این کتابخانه نفیس و بزرگ نیز بسوخت، و فتنه و آشوب همچنان ادامه یافت تا متوجه شیخ الطائفه و اصحابش گردید. کتابها و کرسی شیخ را که برای تدریس «کلام» بر آن مینشست نیز بسوختند.

ابن جوزی (۲) در حوادث سال ۴۴۸ هـ گوید: «ابو جعفر طوسی فرار کرد و خانه‌اش غارت شد»

سپس در حوادث سال ۴۴۹ هـ گفته است: «در ماه صفر امسال خانه ابی جعفر طوسی متکلم شیعه در کرخ بازدید شد، و هر چه از دفاتر و کرسی‌هایی که برای تدریس کلام بر آن مینشست گرفته شد با سه پرچم دیگر که زوار کرخی در گذشته با شیخ جهت زیارت کوفه حمل میکردند همه را سوختند. (۳)

۱- شاپور از وزرای شیعه بود که بدستگاه شهریار شیعی «بهاء الدوله» وزارت داشت وی از اهل فضل و ادب و خانه‌اش جایگاه ادبا و شعرا بود، «ذوالبی» در یتیمه الدهر از وی نامبرده و یک فصل خاص برای شعرائیکه ویرا مدح گفته‌اند اختصاص داده است.

ابوالعلاء معری نیز با قصده معروفیکه از کتابخانه‌اش نامبرده ویرا مدح کرده است.

و غنت لنا فی دار سادو رقینه  
من الورق مطراب الاصائل مهیاب

ابن خلکان در «وفیات الاعیان» ج ۱ ص ۱۹۹ تا صفحه ۲۰۰ میگوید: «وی از اکابر وزراء بود و (کفایت و در ایت) دروی جمع و خانه‌اش جایگاه شعراء بود. این مکان مادی با فضایل علمی و کمالات روحی سبب شده بود که وی به جمع کتب علمی همت گماشت و باهل مذهب خود وقف نمود خاصه نسخ نفیس کمیاب تصحیح شده معتبر که تا امروز هم کتب نفیس همان شرایط را دارند، این وزیر بسال ۳۳۶ در شیراز متولد شد و بسال ۴۱۶ وفات یافت و بهاء الدوله سال ۴۰۳ هـ بسن ۴۲ سالگی وفات یافت و در نجف اسرف بنزد مرقد پدرش عضدالدوله «فنا خسرو» دفن شد. قاضی نورالله مرعی هم چنین نوشته است رجوع شود به «مجالس المؤمنین» ص ۳۷۹

۲- المنتظم ج ۸ ص ۱۷۳ تا ص ۱۷۹.

۳- پس سلطان روی بعراق نهاد بالشکری که از وطأت ایشان زمین می‌سرزید و کوه می‌شکوهید مثل (من نصر الحق قهر الخلق) هر که نصرت حق کند قهر خلق بدستش آسان بود چون ببغداد رسید آن حادثه را دریافت و بساسیری را بگرفت و سراو بر جانی بغداد اشهار کرد مثل (من عدل زاد قدره و من ظلم نقص عمره) هر که عدل کند قدرش بیفزاید و هر که ظلم کند عمرش بکاهد، مثل (من زرع العدوان حصدا الخسران) هر که عدوان کارد خسران درود چه از تخم ظلم زیان روید طغرل بیک امیر المؤمنین از عانه در ذوالحجه سنه احدى و خمسين و اربعماية بمقر خلافت و منزل امامت باز آورد و چون بذر بغداد رسید پیاده شد و در پیش مهدبرفت امیر المؤمنین فرمود که ارکب یارکن الدین و برو ثنای جمیل گفت لقبش از دولت بدین بدل شد مثل (من حسنت سیرته بقیه پاورقی در صفحه ۱۴

## مؤسس دانشگاه نجف :

چون شیخ الطائفة خطر را موجد دید، بنهایی بنجف اشرف هجرت فرمود و بجوار مرقد مولای ما امیر المؤمنین (ع) پناه برد، و نجف را مرکز علم و دانشگاه بزرگ شیعه و پایتخت دین اسلام و مذهب جعفری قرارداد، لهذا کاروانها بسوی نجف بار بستند و میبندند و دلها بنجف اشرف تعلق داشته دارد.

پس از ورود شیخ، نجف فرودگاه علم و علما و محبوب دلهای دانشمندان گردید «تخت» فرمانروائی علمی در نجف اشرف برقرار شد.

این فضل از آن «شیخ الطائفة» است که با افراد حوزه اش روح علمی دمید، و در دلهایشان بذره معارف الهی افشاند، که تا آنچه توانستند بتحصیل علوم کوشیدند، روزها را شب، و شبها را بحال مطالعه و درس متصل ساختند و بدریای ژرف علوم فرو میرفتند، و رازهایش را میگشودند، و مشکلات را میگشادند، و دانهها و گوهرها را فرامی آوردند چرا چنین نباشند که خدای برای علم و عمل سینههاشان بشکافت و اذهانشان صیقل بخشود، و طبایع سلیم آنان عنایت فرمود، که باوران دین و حاملان علم شدند، و فضیلت نجف بر سایر مراکز علمی آشکار شد و نام نیکی بر صفحات قرون و تاریخ از خود بجای نهادند. **اعلی الله فی الفردوس درجاتهم.**

لربوع شرع المصطفی شرف (۱)  
مأوی به العلیاء تعتكف  
مثل الفراش الیه تزذلف  
تجدید مآقد شائه السلف الخ

ذا شیخنا الطوسی شید بهما  
فهو الذی اتخذ (الغری) له  
فتیها فتوا السراج حکمتیه  
وقفتمهم الا بنساء ضاهنه

در این جا علامه بزرگوار حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی مدظله (نویسنده) بحثی میفرماید که آیا: (حوزه علمی نجف از زمان شیخ طوسی تأسیس شده یا قبل از دوران شیخ حوزه علمیه نجف وجود داشته است؟ قول کسانی که گفته اند پیش از زمان شیخ، نجف مرکزیت علمی داشته رد میکنند، سپس چنین اظهار نظر فرموده اند): گرچه قبل

و جبت طاعته و من ساعت سیرته زالت قدرته) هرگز اسیرت نیک بود طاعت او واجب آید و سیرت بد ازالت قدرت کند، سلطان را نیت نیکو برافراشت و اعدا را فعل بندرکنج ادبار بداشت، و فرا هیچ خیر نگذاشت، و بعد از چند روز عمید الملک را بخواند، و بخلیفه پیغام می داد که همراه وقت از برای مصالح دین و ملک بیغذا حرکت می باید کردن و با من عددی بسیار و لشکری بی شمارست در نواحی بغذا از جهت من نانی تعیین فرمایی که اخر اجات ما را از آن مددی باشد.

راحة الصدور تاریخ آل سلجوق ص ۱۰۹ تا ص ۱۱۰ مترجم

۱- ولقد احسن واجاد صدیقنا العلامة الحجة السيد علی نقی النقی دامت له العالیة.

از زمان شیخ طوسی نجف مرکزیت علمی داشته اما بر اثر تحکیمات امویهار عباسیها شیعیان قدرت بسط علمی و تظاهر نداشتند ، پس از هجرت شیخ بنجف حوزه درس شیعیان رسماً تشکیل شد و تا کنون ادامه دارد .

### مکانت علمی شیخ :

این نکته از بديهيات است که احصاء علوم ، و بیان حدود کمال علمی شیخ الطائفه هر چند بکوشد در وسع نویسنده نیست .

کسیکه میدانهای وسیع علم و عمل را در نور دیده و بمقام شامخ علمی تشیع و منزلت بزرگ ریاست شیعه رسیده است ، آنچه را که اعلام در تراجم خود بستایش شیخ و بزرگداشت آن بزرگوار گفته و ستوده اند ، دون مقام شیخ معظم است .

آنانکه در تاریخ رجال شیعه سرفرو برده و در مؤلفات علمی متنوع شیخ دقیقاً نظر بیندازند خواهند دانست که وی بزرگتر از همه علمای دین است ، او شیخ تمام مجتهدین است ، و پیشوای همه مؤسسين حوزه های علمی و پیشرو جمیع فقهای اثنی عشری است ، طریقه اجتهاد را در فقه و اصول فقه او بنیان گذارد . (۱)

۱- یکی از مزایای مذهب «تشیع» بر سایر مذاهب اسلام فتح باب «اجتهاد» در این مذهب است که بدان وسیله احکام دین متناسب با زمان و مکان با افراد مسلمین میرسد ، و جهان اسلامی خاصه مجامع علمی مسلمین اکنون متوجه این امر خطیر گشته اند رجوع شود بنامه آستان قدس شماره ۱۲ سال اول (مترجم)

علامه عالیقدر مصلح کبیر مرحوم آیه الله شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء بیاسخ دکترا عبداللطیف حمزه درباره «اجتهاد» بعقیده شیعه اثنی عشری مینویسند: ۱- يعتبر باب الاجتهاد مفتوحاً امام فقهاء الامامية بغیر حد من ناحية المجتهد الا حدود تحقق شرائطه واعليته من اي عنصر كان . وفي اي بلد او زمان يكون ، والى اي نحلة من نحل الاسلام ينتسب فهو من هذه الناحية حر تطبيق لا يتقيد بالبنفسه وتحقق ذاته .

۲- واما ما سفته : فهي كذلك غير محدودة لافي اول ولا آخر ، بل مستمرة مادام التكليف وما بقيت العقول التي هي الحجة الكبرى للخالق على المخلوق وللمخلوق على الخالق وهي ثابتة في كل زمان ومكان وفي عامة الشرائع والاديان .

۳- واما نوعه فهو من العلوم النظرية الفكرية الاستقلالية ، وليس من العلوم الالية وهو مقدمة للعمل وليس تحققه منوطاً به بل هو ملكة نفسية كسائر العلوم والفنون . ولا تكون ملكة راسخة الا بعد الممارسة والمنزلة وسير الادلة واستحضار القواعد العامة والاحاطة بالاشياء والنظائر وهو حوج ما يكون الى ذهن نافذ وفهم وقاد ، وذوق سليم واعتدال سليقة واستقامة طريفة ومعرفة بالامور العرفية يستطيع بها تطبيق الاصول للفروع واستنباط حكم الجزئي من الدليل الكلي ويستخيل عادة او حقيقة حصول هذه الملكة اعنى ملكة الاجتهاد للبليد والرجل العادي ولذا قالوا : ان الاجتهاد نور يقذفه الله في قلب من يشاء .

وانا اقول نعم هو نور ولكن لا يقذفه الله في قلب احد جزافاً و انما ينفحه به بعد طول الكد والجود والتعب والعناء وان نقل عن بعض الاساطين: ان ملكة الاجتهاد حصلت لهم قبل البلوغ وهو ان صح فمن النوادر والشواذ و... الخ (جنة الماوى ص ۲۸۰-۲۸۱)

(مترجم)



و کاراستنباط برطریق جمعفریه بوی منتهی میشود .

تنها **ابوجعفر محمد بن حسن طوسی** در علم دین بعنوان «شیخ» مشهور گشت این عنوان افتخار آمیز از زمان **شیخ الطائفه طوسی** تا بزمان زعیم شیعه ابوذر زمان و حجت کبری **شیخ مرتضی انصاری** متوفی ۱۲۸۱ هـ از آن شیخ الطائفه بود ؛ یعنی در کلمات اصحاب «فقه و اصول» و ارباب علم دین هر گاه «شیخ» مطلق گفته شود مقصود شیخ طوسی است . (۱)

در عصر ما گاهی شیخ گفته میشود و مراد «شیخ انصاری» است اما در کتب قدما مقصود **شیخ الطائفه طوسی** است .

### فتاوی شیخ :

قرنهای بسیار دوران ممتدی گذشت واحدی از دانشمندان شیعه فتاوی شیخ را رد نکرد ، بلکه همه علماء احادیث شیخ را اصلی مسلم میشمردند و بدان اکتفا میکردند ، و تألیف دیگر برادر قبالی آثار شیخ و صدور فتوی را با وجود فتاوی شیخ اهانت و جسارت بشیخ میپنداشتند .

این وضع همچنان بود تا بعصر «ابن ادریس» اعلی الله مقامه ؛ وی اول کسیست که با برخی از آراء و فتاوی شیخ طوسی مخالفت کرد ، و باب «رده» نظریات شیخ را بکشود با تمام این اوصاف دانشمندان شیعه همچنان بر فتاوی و نظریات و آراء و گفتار شیخ باقی ماندند و فوق سخن اوس سخنی نگفتند ، تا بعصر «محقق» و فرزند **خواهرش «علامه حلی»** رسید اینان دیگر بر فتاوی شیخ باقی نماندند .

حجت فقیه صاحب «مقابس» مینویسد (۲) (بسیاری از دانشمندان مانند محقق و علامه و غیر آنند و فتاوی شیخ را نقل میکردند ولی نسبت بشیخ نمیدادند سپس ادله

۱- در اصطلاح فقهاء اگر «الشیخان» گفته شود مراد «شیخ مفید و شیخ طوسی» است ، در اصطلاح متکلمین «الشیخان» ابوعلی محمد بن عبدالوهاب متوفی سال (۳۰۳ هـ) و فرزندش ابو هاشم عبدالسلام بن محمد متوفی سال (۳۲۱ هـ) است که هر دو از رؤساء فرقه معتزلی هستند و هر دو مقالات بسیاری بر روش مذهب «اعتزال» دارند و در کتب کلام بسیاری از آثار این دو نفر موجود است .  
در اصطلاح حکمت و منطق «الشیخ» ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا بخاری است که بسال (۴۲۸ هـ) وفات یافته است .

در کتب بلاغت ؛ «الشیخ» اطلاق میشود بر ؛ ابی بکر عبدالقاهر جرجانی متوفی (۴۷۱ هـ)  
۲- حتی ان کثیرا ما یدکر المحقق الحلی و العلامة او غیرهما فتاویه من دون نسبتها الیه ثم یدکرون ما یقتضی التردد او المخالفة فیها فیتوهم التنافی بین الکلامین مع ان الوجه فیها ما قلناه .  
(حیة الشیخ ص ط)

و گفتاریکه مقتضی رد فتاوی بود ذکر مینمودند: اینجا توهم منافات بین دو کلام میرفت، در صورتیکه اصل و حقیقت چنان بود که گفتیم)

مدتها «النهایة» شیخ الطائفة محور بحث و کتاب درس بود و اغلب دانشمندان هم بر همین کتاب شرح و حاشیه مینوشتند، ولی پس از آنکه محقق حلی (شرایع الاسلام) را نوشت شیعیان بدان کتاب روی آوردند: نه از آن جهت که ارزش مؤلفات شیخ را ندانند بلکه علمای بزرگ شیعه با مرور زمان مکانت بزرگ علمی و سبقت و شموخ مقام و برابری یکایک اعتراف داشتند (۱)

### آثار و آثار شیخ:

مؤلفات شیخ همه جا و همه وقت بین آثار علمی علمای آن زمان بلند و مقام شامخی را داشته و دارد بین هزاران اسفار جلیلهایکه نتیجه عقول علمای زبردست و پهلووانان نامی علم است قهرمانان بزرگیکه بروزگارگران است مانندشان بیاورد:

آثار علمی شیخ چون خالی روشن و نورانی بر جبین تاریخ روزگار میدرخشد معظم علوم اسلامی از اصل و فرع همه در آن آثار جمع است و مشکلات مباحث فلسفی و کلامی را حائزند.

برای عظمت شیخ دو کتاب «تهذیب» و «استبصار» که از اصول مسلمة در مدارک فقه است کافی است.

پس از کتاب الله مبین از چهار کتابیکه در خلال قرون مدرک استنباط احکام و مدار فتاوی است همین «تهذیب - استبصار» است.

نام پرافتخار شیخ در تاریخ جاویدان شد و این پایه بلند جز نتیجه اخلاص و حقیقت و واقعیت نیست، زیرا که برای شهرت طلبی و حب ریاست و دلجوئی و جلب محبت مردم یا مباحثات بین دانشمندان معاصر، آن آثار را تالیف نکرد و اینگونه مقاصد پست دنیوی که بسیاری از علمای معاصر بدان گرفتارند وی نداشت.

### ناتمام

۱ - اینجا نویسنده تعدادی از اسامی و شرح حال مختصری از علماء بزرگ شیعه را که بمقام شامخ علمی شیخ اعتراف کرده اند با ذکر مأخذ نشان میدهد که نام خداوندان علم و بزرگان دین و صاحبان نظری چون شیخ جمال الدین حلی و میرزا حسین نوری، و محمد باقر مجلسی، سید مهدی طباطبائی بحر العلوم نیز دیده میشود و ما برای رعایت اختصار حذف کردیم. (مترجم)